

« فراسوی مدیریت »

سال چهارم - شماره ۱۵ - زمستان ۱۳۸۹

ص ص ۲۱۰-۱۸۷

رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود

دکتر هاشم نیکومرام^۱

حیدر محمدزاده سالطه^۲

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین ابعاد حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۸۶-۱۳۸۱ می باشد. با روش نمونه گیری حذفی و با اعمال شرایط انتخاب نمونه، تعداد ۴۰ شرکت بعنوان نمونه آماری انتخاب گردید. نتایج آزمون تفاوت میانگین نشان داد که: ۱- شرکتهایی که دارای حاکمیت شرکتی کافی بوده اند (خواه اینکه دارای حاکمیت شرکتی قوی یا ضعیف باشند) اقلام تعهدی اختیاری کمتری دارند یعنی در اینگونه شرکتهای مدیریت سود کمتر اتفاق می افتد. ۲- شرکتهایی که دارای حاکمیت شرکتی کافی می باشند، در سطوح یکسان توانایی حاکمیت شرکتی نیز دارای اقلام تعهدی اختیاری کمتری هستند. ۳- شرکتهای با حاکمیت شرکتی ضعیف نسبت به شرکتهای با حاکمیت شرکتی قوی، لزوماً اقلام تعهدی اختیاری بیشتری ندارند. بطور کلی، نتایج بیانگر آنست که کفایت حاکمیت شرکتی، نسبت به توانایی حاکمیت شرکتی با مدیریت سود ارتباط معناداری دارد. بدین ترتیب نتایج گویای این مطلب است که کفایت حاکمیت شرکتی یکی از عوامل تعیین کننده موثر بر مدیریت سود است.

واژه‌های کلیدی:

توانایی حاکمیت شرکتی، کفایت حاکمیت شرکت، مدیریت سود

^۱- استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (nikoomaram@srbiau.ac.ir)

- دانش آموخته دوره دکتری حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

مقدمه

رسوایی های حسابداری و سقوط شرکتهایی در آمریکا نظیر انرون و ولد کام ، و در استرالیا مانند شرکتهای تل وان ، نگرانی های جدی را در مورد مدیریت سود ، استفاده از سود گزارش شده و مسائل اخلاقی کسانی که این گزارشها را تهیه و حسابرسی می کنند ، بوجود آورد. سازمانهای قانونگذار در آمریکا بر اساس قوانینی مثل قانون سارینز اکسلی ، مدیران شرکتهای را ملزم به تضمین گزارشهای مالی ، توانمند کردن حاکمیت شرکتی و بهبود استقلال حسابرس نمود تا از این طریق ، مدیریت سود کاهش و کیفیت گزارشگری مالی بهبود یابد (حساس یگانه ، ۱۳۸۵، ۳۲).

این پژوهش به منظور بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود ، وارد بحث تئوری نمایندگی می شود. تئوری نمایندگی به این موضوع اشاره دارد که بخشی از عملیات شرکتهای به روابط نمایندگی بین سهامداران و مدیران مربوط می شود. در واقع جدایی مالکیت سهام و کنترل مدیریت بر عملیات شرکت می تواند به تضاد منافع منجر شود و هزینه های نمایندگی ناشی از این تضاد منافع بین مدیران و سهامداران بوجود آید. بدون این مسئله نمایندگی ، کیفیت گزارشگری هیچ مسئله خاصی نخواهد داشت چون مدیران هیچگونه انگیزه ای برای تحریف گزارشات مالی یا مخفی نگهداشتن اطلاعات ندارند. حاکمیت شرکتی یکی از ساز و کارهای کاهش مسئله نمایندگی است. مکانیزم های حاکمیت شرکتی می تواند فرصتهای مدیریت سود را کاهش و در نتیجه کیفیت سود را افزایش دهد.

مکانیزم های حاکمیت شرکتی به مرور زمان بوجود می آیند. برخی شرکتهای دارای مکانیزم های قوی حاکمیت شرکتی مثلاً در تعداد اعضای مستقل هیئت مدیره ، حضور سرمایه گذاران نهادی می باشند. برخی شرکتهای نیز دارای حاکمیت شرکتی ضعیفی می باشند. در این تحقیق توانایی حاکمیت شرکتی از کفایت حاکمیت شرکتی تفکیک می شود. توانایی (یا ضعف) حاکمیت شرکتی بعنوان اندازه حاکمیت شرکتی قلمداد می شود. شرکتی که دارای تعداد بیشتری عضو هیئت مدیره مستقل ، سرمایه گذاران

نهادی بوده، درصد مالکیت اعضای هیئت مدیره و اعضای غیرموظف هیئت مدیره باشد دارای حاکمیت شرکتی توانمند محسوب می شود. در مقابل، حاکمیت شرکتی در صورتی کافی تلقی می شود که در کاهش هزینه های نمایندگی موثر واقع شود. حاکمیت شرکتی می تواند ضعیف ولی کافی باشد با این شرط که در زمان شروع آن، مسئله نمایندگی در حد پایین باشد. لذا در چنین شرکت هایی می توان مدیریت سود کمتری را انتظار داشت. حاکمیت شرکتی می تواند قوی (توانمند) بوده ولی کافی نباشد. برای این شرکتها، به رغم حاکمیت شرکتی قوی، مدیریت سود احتمالا مسئله ساز باشد. برای شرکت های دارای حاکمیت شرکتی ضعیف و ناکافی نیز مدیریت سود می تواند مسئله ساز باشد. طبقه بندی شرکتها از طریق این دو بعد حاکمیت شرکتی (توانایی و کفایت) باعث تدوین فرضیه هایی به منظور بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود می شود.

گروه بندی شرکتها بر اساس توانایی و کفایت حاکمیت شرکتی

توانایی	کمتر	گروه (۱) حاکمیت شرکتی ضعیف و کافی	گروه (۳) حاکمیت شرکتی ضعیف و ناکافی
	بیشتر	گروه (۲) حاکمیت شرکتی قوی و کافی	گروه (۴) حاکمیت شرکتی قوی و ناکافی
		بیشتر	کفایت
		کمتر	

ساختار فوق این امکان را فراهم می آورد که فرضیه های تحقیق را از طریق مقایسات درون گروهی مدیریت سود آزمون کنیم. با توجه به ماتریس فوق، گروه (۱) از شرکت های با حاکمیت کافی ولی ضعیف تشکیل می شود (عملکرد خوب / حاکمیت شرکتی ضعیف). بطور نسبی می توان گفت که حاکمیت شرکتی ضعیف در کنترل مسئله نمایندگی برای این شرکتها کافی است، چون آن شرکتها نیازهای نظارتی کمتری دارند. گروه (۲) نشانگر شرکت های با حاکمیت کافی ولی قوی است (عملکرد خوب /

حاکمیت شرکتی قوی). بدین ترتیب شرکتهای موجود در گروه (۱) و (۲) اگر چه سطوح مختلفی از حاکمیت شرکتی را در بر می گیرند ولی دارای حاکمیت شرکتی کافی می باشند. شرکتهای موجود در گروه (۳) دارای حاکمیت شرکتی ضعیف و ناکافی هستند (عملکرد بد / حاکمیت شرکتی ضعیف). برای این شرکتهای توانمندسازی حاکمیت شرکتی از منظر سهامداران، مطلوبتر است. در نهایت، شرکتهای موجود در گروه (۴)، حاکمیت شرکتی قوی و ناکافی دارند (عملکرد بد / حاکمیت شرکتی قوی). برای اینگونه شرکتهای اعمال شدن سطوح حاکمیت شرکتی (علیرغم قوی بودن) احتمالاً کفایت پایینی داشته باشد. مدیریت سود زمانی اتفاق می افتد که مدیران در گزارشگری مالی از قضاوت استفاده می کنند تا برخی از ذینفعان را نسبت به عملکرد اقتصادی شرکت گمراه نمایند یا نتایج قراردادهایی که به ارقام حسابداری گزارش شده ربط دارد را تحت تأثیر قرار دهند.

مجموعه دیگری از مطالعات بر امنیت شغلی مدیران و انگیزه های دستکاری سود در زمانی که مدیران با احتمال از دست دادن شغل خود مواجه می شوند تأکید دارند. دی آنجلو (۱۹۹۸) گزارش می دهد که در طول مدت جایگزینی مدیران ممکن است از اختیار حسابداری خود برای نشان دادن تصویر مناسبی از عملکرد شخصی به منظور بدست آوردن رای سهامداران استفاده نمایند. دچوو اسلوان (۱۹۹۶) دریافتند که مدیران عامل تمایل به کاهش هزینه تحقیق و توسعه در سال های آخر خدمت خود دارند تا احتمالاً سودهای گزارش شده را افزایش دهند. شرکت ها همچنین سودها را به منظور دستیابی به انتظارات بازار مدیریت می کنند. اخیراً موضوع حاکمیت شرکتی در سطح بین المللی توجه زیادی به خود جلب کرده است. درستی گزارشگری مالی دغدغه مشترک تدوین کنندگان استاندارد و افراد شاغل در حرفه بوده است (به ویژه پس از رسوایی های مالی شرکت های معتبر و شناخته شده ای مثل انرون و ورلند کام) در خصوص کشورهای آسیایی حاکمیت شرکتی ضعیف به عنوان یکی از دلایل بحران مالی ۱۹۹۷ آسیا عنوان شده است (آقایی، ۱۳۸۹، ۳). اصل اصطلاح حاکمیت شرکتی کلمه یونانی Kyberman

به معنی راهنمایی کردن یا اداره کردن می باشد و از کلمه یونانی به کلمه یونانی به کلمه لاتین به صورت Gubernare و فرانسه قدیم Gouverner تبدیل شده است. اما این کلمه به راه های مختلف توسط سازمان ها یا کمیته ها مطابق علایق ایدئولوژیکی آنها تعریف شده است. بررسی ادبیات موجود نشان می دهد که هیچ تعریف مورد توافقی در مورد حاکمیت شرکتی وجود ندارد. تعریف های موجود از حاکمیت شرکتی در یک طیف وسیع قرار می گیرند. دیدگاه های محدود در یک سو و دیدگاه های گسترده در سوی دیگر طیف قرار دارند. در دیدگاه های محدود حاکمیت شرکتی به رابطه شرکت و سهامداران محدود می شود. این الگو در قالب نظریه نمایندگی بیان می شود. در آن سوی طیف، حاکمیت شرکتی را می توان به صورت شبکه ای از روابط در نظر گرفت که نه تنها میان شرکت و مالکان آنها (سهامداران) بلکه میان شرکت و تعداد زیادی از ذینفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان دارندگان اوراق قرضه و ... وجود دارد. چنین دیدگاهی در قالب نظریه ذینفعان دیده می شود. با توجه به نظریه های مذکور در اینجا چند تعریف از حاکمیت شرکتی ارائه می شود این تعریف ها از نگاهی محدود و در عین حال توصیف کننده نقش اساسی حاکمیت شرکتی آغاز می شود و سرانجام به تعریفی گسترده تر خاتمه می یابد که پاسخگویی شرکتی را در برابر ذینفعان و جامعه در بر می گیرد (حساس یگانه، ۱۳۸۵، ۳۳).

حاکمیت شرکتی عبارت است از فرایند نظارت و کنترل برای تضمین عملکرد مدیر شرکت مطابق با منافع سهامداران سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) حاکمیت (راهبردی) شرکتی را به این صورت تعریف کرده است: «مجموعه ای از روابط بین مدیریت، هیات مدیره، سهامداران و سایر ذینفعان شرکت، حاکمیت شرکتی همچنین ساختاری را فراهم می آورد که از طریق آن اهداف شرکت تدوین و ابزارهای دستیابی به این اهداف و همچنین نحوه نظارت بر عملکرد مدیران مشخص می گردد» (رهبری خرازی، ۱۳۸۵، ۳).

بانک جهانی نیز حاکمیت شرکتی را به این صورت تعریف می کند: «حاکمیت شرکتی به حفظ تعادل میان اهداف اجتماعی و اقتصادی و اهداف فردی و جمعی مربوط می شود. چارچوب حاکمیت شرکتی برای تقویت استفاده موثر از منابع و نیز برای پاسخگویی لازم به منظور نظارت بر آن منابع و هدف هم راستا نمودن هر چه بیشتر منافع افراد، شرکت ها و جامعه می باشد. در کشور ما در چند سال اخیر کوشش هایی برای شناساندن ماهیت نظام حاکمیت (راهبردی) شرکتها و اهمیت آن در بعد نظارت بر بنگاه های اقتصادی صورت پذیرفته است نمونه تلاش مذکور ارائه پیش نویس آیین نامه اصول راهبری شرکت در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نیز تصویب آیین نامه نظام راهبری شرکتی توسط هیات مدیره شرکت بورس بهادار تهران در تاریخ ۸۶/۸/۱۱ می باشد (آقایی، ۱۳۸۹، ۴).

پورحیدری، همتی (۱۳۸۳) اثر قراردادهای بدهی هزینه های سیاسی طرح های پاداش و مالکیت را بر مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۷۰ بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که بین اندازه شرکت و دستکاری سود رابطه منفی و معنی داری وجود ندارد بین تعداد کارکنان شرکت و دستکاری سود رابطه منفی و معناداری وجود دارد و بین میزان پاداش مدیریت و دستکاری سود ارتباط مثبت و معنی داری وجود ندارد.

مهرانی و باقری (۱۳۸۸) به بررسی اثر جریان های نقد آزاد و سهامداران نهادی بر مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته و به این نتیجه رسیدند که رابطه معناداری بین مدیریت سود سهامداران نهادی در شرکت های با جریان های نقدی آزاد زیاد و رشد کم وجود ندارد.

مشایخ و اسماعیلی (۱۳۸۵) به بررسی رابطه بین کیفیت سود و دوجنبه از اصول راهبردی شرکتی (تعداد مدیران غیر موظف و درصد مالکیت اعضای هیات مدیره) پرداخته و به این نتیجه رسیدند که تعداد مدیران غیر موظف و درصد مالکیت اعضای

هیات مدیره در ارتقای کیفیت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش با اهمیتی ندارد.

مشایخی (۲۰۰۷) رابطه بین سه ویژگی حاکمیت شرکتی (اندازه هیات مدیره، دوگانگی وظیفه مدیر عامل، نمایندگان سهامداران نهادی در هیات مدیره) و مدیریت سود را بررسی نمود و نتایج تحقیق او حاکی از این است که اندازه هیات مدیره دوگانگی وظیفه مدیر عامل نمایندگان سهامداران نهادی در هیات مدیره با مدیریت سود رابطه معنی داری دارند احمد پور و همکاران تاثیر مدیران غیر موظف و سرمایه گذاران نهادی در رفتار مدیریت سود را بررسی نمودند و به این نتیجه رسیدند که وقتی انگیزه برای دستکاری سود بالاست مدیران غیر موظف و سرمایه گذاران نهادی عمده نقش ضعیفی در کاهش ناهنجاری اقلام تعهدی غیر عادی دارند.

خدمتی همپا (۱۳۸۸) به بررسی ارتباط بین حاکمیت شرکتی و هموارسازی سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای درصد مالکیت اعضای هیات مدیره، تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره و درصد سهام شناور آزاد براساس هموارسازی بودن یا غیر هموار ساز بودن سود شرکت تفاوت وجود ندارد و درصد مالکیت اعضای هیات مدیره، تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره و درصد سهام شناور آزاد بر هموار سازی سود شرکت تاثیری ندارد، در حالت کلی، نتایج تحقیق نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، حاکمیت شرکتی بر هموارسازی سود تأثیر نداشته است.

محمدزاده سالطه (۱۳۸۹) به بررسی ارتباط بین شاخصهای کیفیت سود (کیفیت اقلام تعهدی، پایداری سود، توان پیش بینی سود و نسبت وجه نقد عملیاتی به سود) و ابعاد حاکمیت شرکتی (توانایی و کفایت) در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه های اول بین کیفیت سود در شرکتهای با حاکمیت شرکتی کافی و ناکافی و بدون در نظر گرفتن توانایی حاکمیت شرکتی تفاوت معنی داری وجود دارد. یعنی شرکتهایی که دارای حاکمیت شرکتی

کافی می باشند دارای کیفیت سود بالاتری هستند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نیز نشان می دهد که با در نظر گرفتن توانایی حاکمیت شرکتی بین کیفیت سود در شرکتهای با حاکمیت شرکتی کافی و ناکافی تفاوت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر قوی یا ضعیف بودن حاکمیت شرکتی هیچگونه تأثیری بر کیفیت سود نداشته است. همچنین نتایج فرضیه سوم بیان می کند که بین کیفیت سود در شرکتهای با حاکمیت شرکتی قوی و ضعیف تفاوت معناداری وجود ندارد. علاوه بر این، یافته های حاصل از فرضیه چهارم تحقیق بیان می کند تا زمانی که حاکمیت شرکتی کافی است بین کیفیت سود در شرکتهای با حاکمیت شرکتی قوی و ضعیف تفاوت معناداری وجود ندارد. بطور کلی، نتایج بیانگر این مطلب است که کفایت حاکمیت شرکتی در مقایسه با توانایی حاکمیت شرکتی، رابطه معناداری با کیفیت سود دارد.

آقایی و چالاکی (۱۳۸۹) به بررسی رابطه بین ویژگی های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته های تحقیق نشان می دهد که رابطه معنی دار منفی بین مالکیت نهادی و مدیریت سود و همچنین بین استقلال هیات مدیره و مدیریت سود وجود دارد. علاوه بر این، رابطه معنی داری بین سایر ویژگی های حاکمیت شرکتی (تمرکز مالکیت، نفوذ مدیرعامل، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، اندازه هیات مدیره، اتکای بر بدهی و مدت زمان تصدی مدیرعامل در هیات مدیره) و مدیریت سود وجود ندارد.

با توجه به مطالبی که در بیان مسأله و سؤالات تحقیق اشاره گردید، اهداف زیر مدنظر است:

هدف اصلی: تعیین رابطه بین ترکیبات مختلف حاکمیت شرکتی بر مبنای کفایت و توانایی، و مدیریت سود.

اهداف فرعی :

- ۱- تعیین تفاوت بین اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی کافی در مقایسه با شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ناکافی، بدون در نظر گرفتن توانایی حاکمیت شرکتی.
- ۲- تعیین تفاوت بین اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی کافی در مقایسه با شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ناکافی، با در نظر گرفتن توانایی حاکمیت شرکتی.
- ۳- تعیین تفاوت بین اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی در مقایسه با شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف.

روش

این پژوهش در حوزه تحقیقات تجربی حسابداری قرار دارد و از نظر هدف از نوع کاربردی و از نظر روش از نوع همبستگی است.

جامعه آماری، نمونه و روش انتخاب نمونه

جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. کیفیت اطلاعات و سهولت دسترسی به اطلاعات صورتهای مالی و سایر اطلاعات شرکتها از جمله دلایل انتخاب جامعه آماری می باشد. با در نظر گرفتن ماهیت متغیرهای تحقیق، شرایط لازم برای انتخاب نمونه به شرح زیر ارائه گردید:

- ۱- شرکت قبل از سال ۱۳۸۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- ۲- به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
- ۳- طی سالهای مالی مذکور، زیان ده نباشند.
- ۴- طی سالهای مالی یاد شده، تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشند.
- ۵- وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه نداشته باشد.

۶- اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای تحقیق در سالهای مورد بررسی موجود باشد و صورتهای مالی و یادداشتهای توضیحی مربوط به آنها، بطور کامل در اختیار باشد.

۷- جزو بانکها و موسسات مالی (شرکتهای سرمایه گذاری، واسطه گریهای مالی، شرکتهای هلدینگ، بانکها و لیزینگها) نباشند زیرا افشاهای مالی و ساختارهای حاکمیت شرکتی در آنها متفاوت است.

در نهایت با اعمال شرایط فوق، تعداد ۴۰ شرکت باقی ماند که تمام آنها به عنوان نمونه مورد مطالعه این تحقیق انتخاب شدند. دوره مورد مطالعه از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۸۶ به مدت ۶ سال می باشد.

ابزار پژوهش

متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش بشرح زیر اندازه گیری شده اند:

الف- متغیرهای مربوط به توانایی حاکمیت شرکتی (G Index)

۱- نسبت اعضای غیرموظف هیأت مدیره: برای شرکتهایی که دارای درصد اعضای غیرموظف بالاتری نسبت به میانگین بودند ارزش ۱ و برای بقیه ارزش ۰ داده شد.

۲- میزان سهام تحت تملک سرمایه گذاران نهادی: دراین تحقیق، به شرکت دارای سه سهامدار نهادی که مجموع درصد سهام آنها بالای ۵۰٪ باشد ارزش ۱ و برای مابقی ارزش ۰ لحاظ شده است.

۳- مادر (اصلی) بودن شرکت مورد بررسی: بدین صورت که اگر شرکت مورد بررسی، شرکت مادر باشد به آن ارزش ۱ و در غیر اینصورت ارزش ۰ به آن تعلق می گیرد.

۴- دولتی یا خصوصی بودن مالکیت شرکت: بدین معنا که اگر شرکت مورد بررسی، خصوصی باشد به آن ارزش ۱ و اگر دولتی باشد به آن ارزش ۰ داده می شود.

۵- درصد سهام شناور آزاد: در این تحقیق، برای شرکت هایی که میزان سهام شناور آنها کوچکتر از میانگین کل نمونه در یک دوره ۶ ساله بوده اند ارزش ۱ و برای بقیه ارزش ۰ در نظر گرفته شده است.

۶- نوع حسابرس: در صورتی که مرجع حسابرسی شرکت، سازمان حسابرسی باشد به آن ارزش ۱ و اگر توسط مؤسسات حسابرسی مورد رسیدگی قرار گرفته باشد ارزش ۰ تعلق می گیرد.

محاسبه شاخص توانایی حاکمیت شرکتی (شاخص G):

پس از مشخص شدن متغیرها و تعریف عملیاتی آنها، توانایی حاکمیت شرکتی بشرح ذیل محاسبه گردید:

$$GINDEX = \frac{\sum_{j=1}^m d_j}{\sum_{j=1}^n H_j}$$

در این رابطه $\sum d_j$ بیانگر کلیه اقلامی است که امتیاز یک گرفته اند و $\sum H_j$ بیانگر کلیه اقلامی است که ارزشهای صفر یا یک در مورد آنها لحاظ شده است. به این ترتیب، در مورد هر شرکت شاخص توانایی حاکمیت اندازه گیری شده، در دامنه صفر تا یک قرار می گیرد. از این رویکرد در تحقیقات افرادی چون والاس، کوک، احمد و نیکولس، سجادی و دیگران به منظور اندازه گیری کیفیت افشاء استفاده گردیده است.

ب- کفایت حاکمیت شرکتی

شرکتهای دارای ROE بزرگتر یا مساوی نسبت به متوسط ROE شرکتهای، بعنوان شرکتهای دارای هزینه نمایندگی کمتر تعریف می شوند یعنی شرکتهای دارای عملکرد بهتر، دارای حاکمیت شرکتی کافی می باشند.

ج- مدیریت سود

در پژوهش حاضر اقلام تعهدی اختیاری به عنوان شاخص سنجش مدیریت سود مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. در این تحقیق برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری از مدل تعدیل شده جونز استفاده گردیده است.

در این پژوهش جمع اقلام تعهدی از طریق سود و زیان به شرح زیر محاسبه شده است:

$$TA_{i,t} = EARN_{i,t} - CFO_{i,t} \quad (۱)$$

که :

$TA_{i,t}$: جمع اقلام تعهدی در سال t برای شرکت i

$EARN_{i,t}$: سود عادی یعنی سود قبل از اقلام غیرمترقبه

$CFO_{i,t}$: وجه نقد عملیاتی (جریان های نقدی ناشی از فعالیت های عملیاتی)

سپس مدل زیر در مورد کل اقلام تعهدی برازش شده است. به منظور استاندارد کردن اعداد و ارقام و سهولت محاسبات، دو طرف معادله بر داراییهای اول دوره تقسیم شده است.

$$\frac{TA_{it}}{A_{i,t-1}} = \alpha_0 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + B_1 \frac{\Delta REV_{it}}{A_{i,t-1}} + B_2 \frac{PPE_{it}}{A_{i,t-1}} + \varepsilon_{it} \quad (۲)$$

که در این مدل :

ΔREV_{it} : تغییر در درآمد سالانه (تفاوت درآمد پایان هر سال با درآمد ابتدای

همان سال) در سال t برای شرکت i

PPE_{it} : اموال و ماشین آلات همان سال (دارایی های ثابت هر سال پس از کسر

استهلاک انباشته) در سال t برای شرکت i

$\alpha_0, \beta_1, \beta_2$ ضرایب مدل و $\varepsilon_{i,t}$ خطای مدل در سال t برای شرکت i است. $\alpha_0, \beta_1, \beta_2$ از طریق روش تخمین حداقل مربعات در فاصله سالهای ۸۱ تا ۸۶ بدست می آید.

سپس ضرایب به دست آمده از مدل (۲) در مدل شماره (۳) به کار می رود تا اقلام تعهدی غیراختیاری به شرح زیر به دست آید:

$$NDA_{it} = \alpha_0 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \beta_1 \frac{(\Delta REV - \Delta REC_{it})}{A_{i,t-1}} + \beta_2 \frac{PPE_{it}}{A_{i,t-1}} \quad (۳)$$

که ΔREC_{it} تغییر در حسابهای دریافتی (تفاوت حسابهای دریافتی پایان هر سال با حسابهای دریافتی ابتدای همان سال) در سال t برای شرکت i است. از تفاضل جمع اقلام تعهدی و اقلام تعهدی غیراختیاری، اقلام تعهدی اختیاری به شرح زیر به دست می آید:

$$DA_{i,t} = \frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} - NDA_{i,t} \quad (۴)$$

به منظور بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد. همانطور که در جدول (۱) مشاهده می شود سطح معنی داری در هر کدام از متغیرها کوچکتر از ۰/۰۵ می باشند پس با اطمینان بیش از ۹۵ درصد می توان گفت این متغیرها دارای توزیع نرمال نیستند. لذا برای مقایسه میانگین دو جامعه مستقل از آزمون ناپارامتری U مان ویتنی استفاده شده است.

نگاره (۱): نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای برازندگی توزیع نرمال

متغیرها	اقلام تعهدی اختیاری	توانایی حاکمیت شرکتی	کفایت حاکمیت شرکتی
آماره کولموگروف - اسمیرنوف	۲/۱۵۷	۶/۶۰۷	۵/۳۸۰
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
تعداد مشاهدات	۲۴۰	۲۴۰	۲۴۰

نتایج آزمون فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی: بین ترکیبات مختلف حاکمیت شرکتی بر مبنای کفایت و توانایی و مدیریت سود رابطه وجود دارد.

با توجه به نرمال نبودن متغیرهای تحقیق، امکان تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره میسر نگردید چون یکی از پیش فرض های آزمون رگرسیون، نرمال بودن متغیرهای تحقیق می باشد ولی با استفاده از آزمون همبستگی اسپیرمن، رابطه بین متغیرهای حاکمیت شرکتی و مدیریت سود پرداخته شد که نتایج آن در نگاره (۲) بیانگر وجود همبستگی میان کفایت حاکمیت شرکتی و مدیریت سود، و عدم وجود همبستگی میان توانایی حاکمیت شرکتی و مدیریت سود می باشد.

نگاره (۲) آزمون همبستگی اسپیرمن بین اقلام تعهدی اختیاری و توانایی و کفایت

حاکمیت شرکتی

شرح	اقلام تعهدی اختیاری			توانایی حاکمیت شرکتی			کفایت حاکمیت شرکتی		
	تعداد	فر. همبستگی	سطح معنی داری	تعداد	فر. همبستگی	سطح معنی داری	تعداد	فر. همبستگی	سطح معنی داری
اقلام تعهدی اختیاری	۲۴۰	۱	۰	۲۴۰	۰/۰۳۰	۰/۶۴۷	۲۴۰	۰/۱۵۰	۰/۰۲۰
توانایی حاکمیت شرکتی	۲۴۰	۰/۰۳۰	۰/۶۴۷	۲۴۰	۱	۰	۲۴۰	۰/۱۲۴	۰/۰۵۵
کفایت حاکمیت شرکتی	۲۴۰	۰/۱۵۰	۰/۰۲۰	۲۴۰	۱۲۴	۰/۰۵۵	۲۴۰	۱	۰

علیرغم همبستگی میان کفایت حاکمیت شرکتی با مدیریت سود، و عدم وجود همبستگی میان توانایی حاکمیت شرکتی و مدیریت سود، به منظور مقایسه مدیریت سود در هر کدام از متغیرهای توانایی و کفایت حاکمیت شرکتی در ماتریس چهار جنبه‌ای (گروههای چهارگانه)، از آزمون تفاوت میانگین بهره گرفته شد و فرضیه های فرعی بشرح زیر مطرح و مورد آزمون قرار گرفتند:

فرضیه فرعی (۱): بین اقلام تعهدی اختیاری در شرکتها با حاکمیت شرکتی کافی در مقایسه با شرکتها با حاکمیت شرکتی ناکافی، و بدون در نظر گرفتن توانایی حاکمیت شرکتی تفاوت وجود دارد.

نگاره (۲): آزمون U مان ویتنی برای مقایسه میانگین اقلام تعهدی اختیاری در شرکتها با حاکمیت شرکتی کافی در مقایسه با شرکتها با حاکمیت شرکتی ناکافی

مدیریت سود	میانگین دو گروه		آزمون تساوی میانگین دو گروه		نتیجه
	حاکمیت شرکتی کافی	حاکمیت شرکتی ناکافی	P-Value	z	
اقلام تعهدی اختیاری	۱۱۰	۱۳۱	۰/۰۲۰	-۲/۳۲۴	تائید

نتایج آزمون برابری میانگین اقلام تعهدی اختیاری در شرکتها با حاکمیت شرکتی کافی در مقایسه با شرکتها با حاکمیت شرکتی ناکافی، در نگاره (۲) آمده است. با توجه به مقدار سطح معنی داری در مولفه اقلام تعهدی اختیاری برابر با ۰/۰۲۰ و مقایسه آن با ۰/۰۵ با اطمینان ۹۵٪ می توان ادعا نمود که بین اقلام تعهدی اختیاری در شرکتها با حاکمیت شرکتی کافی در مقایسه با شرکتها با حاکمیت شرکتی ناکافی، تفاوت معنی داری وجود دارد. لذا فرضیه تحقیق تایید می شود. همانطور که مشاهده می شود میانگین اقلام تعهدی اختیاری در شرکتها با حاکمیت شرکتی ناکافی بیشتر از میانگین اقلام تعهدی اختیاری در شرکتها با

حاکمیت شرکتی کافی است لذا نتیجه می گیریم که در شرکتهای با حاکمیت شرکتی ناکافی نسبت به شرکتهای با حاکمیت شرکتی کافی ، مدیریت سود بیشتر است و هزینه نمایندگی اضافی در سطح بالایی اتفاق می افتد.

فرضیه فرعی (۲): بین اقلام تعهدی اختیاری در شرکتهای با حاکمیت شرکتی کافی در مقایسه با شرکتهای با حاکمیت شرکتی ناکافی، و با در نظر گرفتن توانایی حاکمیت شرکتی تفاوت وجود دارد (مقایسه گروه ۱ با ۳ و گروه ۲ با ۴)

نگاره (۳): آزمون U مان ویتنی برای مقایسه میانگین اقلام تعهدی اختیاری در شرکتهای با حاکمیت شرکتی کافی/ضعیف (گروه ۱) در مقایسه با شرکتهای با حاکمیت شرکتی ناکافی/ضعیف (گروه ۳)

مدیریت سود	میانگین دو گروه		آزمون تساوی میانگین دو گروه		تائید یا رد فرضیه
	گروه (۱)	گروه (۳)	Z	P-Value	
اقلام تعهدی اختیاری	۴۲	۳۹	-۰/۵۳۰	۰/۵۹۶	رد

نتایج آزمون برابری میانگین اقلام تعهدی اختیاری در شرکتهای با حاکمیت شرکتی کافی/ضعیف (گروه ۱) در مقایسه با شرکتهای با حاکمیت شرکتی ناکافی/ضعیف (گروه ۳) ، در نگاره (۳) آمده است. با توجه به مقدار سطح معنی داری در مولفه اقلام تعهدی اختیاری برابر با ۰/۵۹۶ و مقایسه آن با ۰/۰۵ با اطمینان ۹۵٪ می توان ادعا نمود که بین اقلام تعهدی اختیاری در شرکتهای با حاکمیت شرکتی کافی/ضعیف (گروه ۱) در مقایسه با شرکتهای با حاکمیت شرکتی ناکافی/ضعیف (گروه ۳) ، تفاوت معنی داری وجود ندارد. لذا فرضیه تحقیق تایید نمی شود.

نگاره (۴): آزمون U مان ویتنی برای مقایسه میانگین ارقام تعهدی اختیاری در شرکتهای با حاکمیت شرکتی کافی/قوی (گروه ۲) در مقایسه با شرکتهای با حاکمیت شرکتی ناکافی/قوی (گروه ۴)

مدیریت سود	میانگین دو گروه		آزمون تساوی میانگین دو گروه		تائید یا رد فرضیه
	گروه (۲)	گروه (۴)	Z	P-Value	
ارقام تعهدی اختیاری	۷۰	۸۸	-۲/۴۶۰	۰/۰۱۴	تائید

نتایج آزمون برابری میانگین ارقام تعهدی اختیاری در شرکتهای با حاکمیت شرکتی کافی/قوی (گروه ۲) در مقایسه با شرکتهای با حاکمیت شرکتی ناکافی/قوی (گروه ۴)، در نگاره (۴) آمده است. با توجه به مقدار سطح معنی داری در مولفه ارقام تعهدی اختیاری برابر با ۰/۰۱۲ و مقایسه آن با ۰/۰۵ با اطمینان ۹۵٪ می توان ادعا نمود که بین ارقام تعهدی اختیاری در شرکتهای با حاکمیت شرکتی کافی/قوی (گروه ۲) در مقایسه با شرکتهای با حاکمیت شرکتی ناکافی/قوی (گروه ۴)، تفاوت معنی داری وجود دارد. لذا فرضیه تحقیق تایید می شود. میانگین ارقام تعهدی اختیاری در شرکتهای با حاکمیت شرکتی کافی/قوی (گروه ۲) در مقایسه با شرکتهای با حاکمیت شرکتی ناکافی/قوی (گروه ۴) نیز کمتر است و این بدان مفهوم است که توانایی (قوی یا ضعیف بودن) حاکمیت شرکتی باعث افزایش یا کاهش مدیریت سود نمی شود بلکه کافی بودن حاکمیت شرکتی، باعث کاهش مدیریت سود می شود.

فرضیه فرعی (۳): بین ارقام تعهدی اختیاری در شرکتهای با حاکمیت شرکتی قوی در مقایسه با شرکتهای با حاکمیت شرکتی ضعیف، و بدون در نظر گرفتن کفایت حاکمیت شرکتی تفاوت وجود دارد.

نگاره (۵): آزمون U مان ویتنی برای مقایسه میانگین ارقام تعهدی اختیاری در شرکتهای با حاکمیت شرکتي کافي در مقایسه با شرکتهای با حاکمیت شرکتي ناکافي

تائيد يا رد فرضيه	آزمون تساوی میانگین دو گروه		میانگین دو گروه		مدیریت سود
	P-Value	z	حاکمیت شرکتی ضعیف	حاکمیت شرکتی قوی	
رد	۰/۶۴۶	-۰/۴۶۰	۱۱۷	۱۲۱	ارقام تعهدی اختیاری

نتایج آزمون برابری میانگین ارقام تعهدی اختیاری در شرکتهای با حاکمیت شرکتي قوی در مقایسه با شرکتهای با حاکمیت شرکتي ضعیف، در نگاره (۵) آمده است. با توجه به مقدار سطح معنی داری در مولفه ارقام تعهدی اختیاری برابر با ۰/۶۴۶ و مقایسه آن با ۰/۰۵ با اطمینان ۹۵٪ می توان ادعا نمود که بین ارقام تعهدی اختیاری در شرکتهای با حاکمیت شرکتي قوی در مقایسه با شرکتهای با حاکمیت شرکتي ضعیف، تفاوت معنی داری وجود ندارد. لذا فرضیه تحقیق تایید نمی شود. همانطور که مشاهده می شود میانگین ارقام تعهدی اختیاری در شرکتهای با حاکمیت شرکتي قوی تفاوت قابل ملاحظه ای با میانگین ارقام تعهدی اختیاری در شرکتهای با حاکمیت شرکتي ضعیف ندارد لذا نتیجه می گیریم که در شرکتهای با حاکمیت شرکتي قوی نسبت به شرکتهای با حاکمیت شرکتي ضعیف، اعمال مدیریت سود متاثر از ضعیف یا قوی بودن حاکمیت شرکتي نمی باشد.

بحث و نتیجه گیری

به لحاظ با اهمیت بودن تاثیر وجود سازوکارهای لازم و دستیابی به کیفیت مطلوب سود، اکثر جوامع تلاشهایی را برای فراهم کردن سیستم حاکمیت شرکتي مناسب انجام داده اند. در دهه های اخیر نظریات متفاوتی پیرامون ارتباط بین متغیرهای توانایی حاکمیت شرکتي و مدیریت سود مطرح شده است ولی هنوز نوع ارتباط مبهم و ناشناخته است. همچنین در خصوص کفایت حاکمیت شرکتي نیز تحقیقی در ایران مشاهده نگردیده است. لذا بررسی ارتباط بین ترکیبات مختلف

حاکمیت شرکتی بر مبنای کفایت و توانایی و مدیریت سود لازم و ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین هدف اصلی این مطالعه بررسی رابطه میان ترکیبات مختلف حاکمیت شرکتی بر مبنای کفایت و توانایی با مدیریت سود است. با بررسی ادبیات حاکمیت شرکتی، شش متغیر کمیت پذیر توانایی حاکمیت شرکتی که در محیط و شرایط اقتصادی و مالی ایران قابل محاسبه و بررسی است، انتخاب گردید. همچنین برای اندازه گیری کفایت حاکمیت شرکتی، از نرخ بازده حقوق صاحبان سهام بعنوان معیار عملکرد گذشته شرکتها استفاده شد.

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش نشان می‌دهد بین اقلام تعهدی اختیاری در شرکتها با حاکمیت شرکتی کافی و ناکافی تفاوت وجود دارد و شرکتها با حاکمیت شرکتی کافی نسبت به شرکتها با حاکمیت شرکتی ناکافی اقلام تعهدی اختیاری کمتری دارند. به بیان دیگر شرکتهایی که در گذشته دارای عملکرد بهتری بوده اند، در مقایسه با شرکتهایی که عملکرد خوبی نداشته اند، مدیریت سود پایین تری دارند چون هزینه نمایندگی اضافی در آنها پایین بوده است. نتایج آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد پس از وارد نمودن متغیر توانایی حاکمیت شرکتی، شرکتهایی که دارای حاکمیت شرکتی کافی بوده اند نسبت به شرکتها با حاکمیت شرکتی ناکافی، مدیریت سود کمتری داشته اند. به عبارت دیگر توانایی (قوی یا ضعیف بودن) حاکمیت شرکتی باعث افزایش یا کاهش مدیریت سود نمی‌شود بلکه کافی بودن حاکمیت شرکتی، باعث کاهش مدیریت سود می‌شود. نتایج آزمون فرضیه سوم تحقیق نشانگر این مطلب است که در برخی موارد مدیریت سود در شرکتها با حاکمیت شرکتی قوی نسبت به شرکتها با حاکمیت شرکتی ضعیف، بیشتر بوده و در برخی موارد کمتر است. به عبارت دیگر بین مدیریت سود در شرکتها با حاکمیت شرکتی قوی و ضعیف تفاوت معناداری وجود ندارد. لذا نتیجه گرفته می‌شود که توانایی (قوی یا ضعیف بودن) حاکمیت شرکتی با مدیریت سود ارتباط معناداری ندارد.

در حالت کلی شرکتهایی که دارای حاکمیت شرکتی کافی بوده اند (خواه اینکه دارای حاکمیت شرکتی قوی یا ضعیف باشند) اقلام تعهدی اختیاری کمتری دارند یعنی در اینگونه شرکتها، مدیریت سود کمتر اتفاق می افتد. همچنین شرکتهایی که دارای حاکمیت شرکتی کافی می باشند، در سطوح یکسان توانایی حاکمیت شرکتی نیز دارای اقلام تعهدی اختیاری کمتری هستند. این بدان معنی است که در برخی موارد، از جمله زمانی که شرکتها نیازهای نظارتی کمتری دارند، حاکمیت شرکتی ضعیف نیز می تواند در کنترل مسئله نمایندگی، کافی باشد. شرکتهای با حاکمیت شرکتی ضعیف نسبت به شرکتهای با حاکمیت شرکتی قوی، لزوماً اقلام تعهدی اختیاری بیشتری ندارند. بطور کلی، این نتایج بیانگر آنست که کفایت حاکمیت شرکتی، نسبت به توانایی حاکمیت شرکتی با مدیریت سود ارتباط معناداری دارد. بدین ترتیب نتایج گویای این مطلب است که کفایت حاکمیت شرکتی یکی از عوامل تعیین کننده موثر بر مدیریت سود است. در نهایت یک از جنبه های با اهمیت این پژوهش، استفاده از عملکرد گذشته شرکتهای بعنوان یکی از معیارهای اندازه گیری هزینه نمایندگی اضافی و همچنین کفایت حاکمیت شرکتی می باشد.

این نتایج به نحوی با تحقیقات پیشین مانند تحقیقات مشایخ (۱۳۸۵)، خدمتی همپا (۱۳۸۸) و محمدزاده سالطه (۱۳۸۹) نیز مطابقت دارد.

با توجه به نتایج تحقیق حاضر، پیشنهادهای زیر ارائه می گردد:

۱- استفاده از نتایج این تحقیق در تدوین و تصویب آیین نامه نظام راهبری شرکت در سازمان بورس اوراق بهادار تهران.

۲- افزایش مسئله نمایندگی، تاثیر معکوسی بر کیفیت سود و در نتیجه تصمیم گیری و ثروت سهامداران دارد. با توجه به نتایج تحقیق حاضر، کافی بودن حاکمیت شرکتی می تواند بر کنترل و کاهش هزینه های نمایندگی موثر واقع شد، لذا به سرمایه گذاران و تحلیلگران توصیه می شود جهت اخذ تصمیمات سرمایه گذاری،

به جای توجه به سازو کارهای توانایی حاکمیت شرکتی، در کنار سایر اطلاعات به اطلاعات مرتبط با کفایت حاکمیت شرکتی نیز توجه نمایند.

۳- پیشنهاد می گردد که با گسترش مطالعات و ادبیات نظری حاکمیت شرکتی فعالان بورس، اعضاء هیئت مدیره شرکتها، سهامداران، موسسات حسابرسی، پژوهشگران و.... با مباحث حاکمیت شرکتی بیشتر آشنا شده تا بتوانند به نحو مناسبی به ایفای نقش در حاکمیت شرکتی و نتیجتاً تاثیر بر افزایش کیفیت گزارشگری مالی شرکتها بپردازند.

با توجه به ادبیات و پیشینه تحقیق ذکر شد، هر یک از موارد مطروحه ذیل می تواند در تحقیقات آتی به عنوان موضوعات پیشنهادی جهت تحقیق مدنظر قرار گیرد:

۱- اندازه گیری توانایی حاکمیت شرکتی با استفاده از عوامل و متغیرهای دیگری انجام شود.

۲- برای اندازه گیری کفایت حاکمیت شرکتی از سایر معیارهای ارزیابی عملکرد استفاده شود.

۳- تکرار این تحقیق در صنایع مختلف و همچنین مقایسه صنعت به صنعت مدیریت سود شرکتها بر اساس توانایی و کفایت حاکمیت شرکتی.

۴- بررسی مقایسه ای موضوع تحقیق حاضر در نمونه های تفکیک شده بر اساس اندازه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به دو گروه بزرگ و کوچک.

منابع:

- آقایی، محمدعلی (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین ویژگی های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. «تحقیقات حسابدای، شماره ۴.
- پورحیدری، امید (۱۳۸۳)، بررسی اثر قراردادهای بدهی، هزینه های سیاسی، طرح های پاداش و مالکیت بر مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. «بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۳۶، ص ۶۳-۴۷.
- حساس یگانه، یحیی (۱۳۸۵)، «حاکمیت شرکتی در ایران». حسابرس، ۲۲.
- رهبری خرازی، مهسا (۱۳۸۵)، «اصول شرکتی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)». تهران، شرکت اطلاع رسانی بورس.
- خدمتی همپا، حسین (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و هموارسازی سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رساله کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، به راهنمایی حیدر محمدزاده
- محمدزاده سالطه، حیدر (۱۳۸۹)، ارائه الگویی برای تبیین ارتباط بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود، رساله دکتری رشته حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، به راهنمایی دکتر هاشم نیکومرام.
- مشایخ، شهناز (۱۳۸۵)، «بررسی رابطه بین کیفیت سود و برخی از جنبه های اصول راهبری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». بررسی های حسابداری و حسابرسی. ۴۵. ص ص ۴۴-۲۵.
- مهرانی، ساسان (۱۳۸۸)، «بررسی اثر جریان های نقد آزاد و سهامداران نهادی بر مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». «تحقیقات حسابداری ۲ ص ص ۷۱-۵۰.

- De Angelo, L.E. (1988), " Managerial competition, costs and Corporate governance: The use of accounting performance measures in proxy contests", Journal of Accounting and Economics, 10:3-36.

- Dechow, P., Sloan, R and Sweeney, A.(1996),"Causes and Consequences of Earning Manipulation: An Analysis of Firms Subject to Enforcement Actions by the SEC" ,Contemporary Accounting Research, 13:1-36.
- Mashayekhi, B. (2007), Characteristics and firms Board of director discretionary accruals management: The case of Iran, Fifth international Business Research Conference, Dubai, United Arab Emirates.